

به کوشش: دکتر عمر اوقوش
معرفی: دکتر اسماعیل حاکمی

سیری اجمالی در منظومه لیلی و همچون سهیلی جغتائی

داستانسرایبی و قصه پردازی در ادب فارسی دامنه‌ای گسترده دارد. شاعران و نویسندگان بزرگ در قالب داستان به بیان معانی مذهبی، اخلاقی، رمزی، عرفانی، حماسی و غیره پرداخته و در هرزمینه‌ای داد سخن داده‌اند. یکی از داستانسرایان بزرگ ایران حکیم نظامی گنجوی است که در زمینه داستانسرایبی صاحب مکتب خاص و از پیشوایان این فن بشمار می‌آید. شاعرانی چون: امیر خسرو دهلوی، خواجوی کرمانی، عبدالرحمن جامی، مکتبی، آذر بیگدلی، سهیلی جغتائی، وحشی، هاتفی و دهها گوینده دیگر از پیروان سبک و شیوه نظامی محسوب می‌شوند.

شیخم بیگ متخلص به سهیلی نام یکی از امرای سلطان حسین بایقرا است که از قریحت و ذوق شعری برخوردار بوده است. عیبی که بر سخنش می‌گرفتند آن بود که افکار و الفاظ رعب‌انگیز پرمخافت و بی‌موقع بکار می‌برد. از جمله ابیات او یکی این است:

شب غم گرد باد آهم از جا برد گردون را
فرو خورد ازدهای سیل اشکم ربع مسکون را
مشهور است که نوبتی این بیت را در خدمت مولانا عبدالرحمن جامی خوانده‌است و مولانا فرموده که: " شما شعر می‌گویید یا آدم می‌ترسانید؟ "

سهیلی بجز دیوان اشعار فارسی و ترکی، داستان لیلی و مجنون نیز به‌نظم کشیده است.

آقای دکتر عمر او قوش یکی از آثار سهیلی را که (لیلی و مجنون) نام دارد به‌عنوان رساله دانشیاری خود مورد نقد و بررسی قرار داده و در سلسله انتشارات دانشگاه ارضروم در سال ۱۹۸۲ به‌طبع رسانده است.

ایشان مقدمه مبسوطی به‌زبان ترکی برای منظومه‌نوشته و ضمن بحث اجمالی از سایر آثار فارسی و ترکی سهیلی، به نقد و بررسی لیلی و مجنون او پرداخته است. خلاصه فهرست مطالب کتاب از این قرار است:

مناجات با قاضی حاجات که درگاه او قبله نیاز امیدوارانست.

نعت سیدی که به فحوای کنت نبیا " فتح باب بسمه از اوست.

توضیح اسباب فسانه‌سازی و تمهید مقدمات سخن‌پردازی.

شرح گرداب بحر بلا و افتادن کشتی فکر به ورطه عشق و جنون...

و آشناسدن با حکایت لیلی و مجنون.....

به‌خواب دیدن پیران قبیله حضرت خضر را علیه‌السلام.

خاتمه در تمهید اعتذار.

آغاز منظومه چنین است:

والشکر لکاشف السرایر	الحمد لواقف الضمایر
تاج آمده بر سر سخن‌ها	ای نام تو سرور سخن‌ها
بی‌نام تو نام جهان هیچ	ای نام تو داده نام‌ها پیچ
هر نقش که دارد اسم هستی	ای آنکه به کلک صنع بستنی
هر کار که می‌کنند هر جا	ای نزد بصیرت تو پیدا
از گوهر نام تو گرامی	ای نام هر که گشته نامی
گسترده بساط عشق‌بازی...	ای داده به حسن جلوه‌سازی
آورده تویی ز خلوت جود...	القصه هر آنچه هست موجود

(صفحات ۲۰۱)

مناجات با قاضی حاجات

یارب منم آن سیاه‌نامه کزدود دلم سیه چو خامه
از کثرت پیچش خیالسم چون خامه‌تنیست پرز نالم
پیوسته چو خامه از تباهی دارم سر و روی در سیاهی...
(صفحات ۳ و ۴)

نعت سید (ص)

ای طوطی ظرفه شکرخای وی خضر لباس خضر وی جای
در نعت پیمبر زمانه چون شمع دراز کن زبانه
آن گفته به وصفش ایزدپاک لولاک لما خلقت الافلاک
آن گوهر تاج آفرینش شمع شب داج آفرینش...
(ص ۵)

آنگاه شاعر به شرح گرداب بلا و سودای عاشقی می‌پردازد و می‌گوید
شبی در خواب به من الهام شد تا داستان لیلی و مجنون را به رشته نظم در آورم:
فکرم نفسی ز خویش بر بود این واقعه‌ام بخواب بنمود...
(ص ۱۶-۱۷)

آنگاه به توضیح اسباب فسانه‌سازی می‌پردازد و در ضمن ابیاتی که در
حقیقت ساقی‌نامه است به کیفیت سرودن منظومه خویش اشاره می‌کند:
ساقی سر لعل نواب دارم کز غم جگری کباب دارم
بردار پیاله مه خویش پرساز زباده به خویش...
آیم به فسانه بیخودانسه بیخود شوم و کنم فسانه
مقدمه ترکی کتاب شامل مباحث ذیل است:

زندگی و شخصیت شاعر - آثار شاعر - شخصیت ادبی شاعر - مثنوی
لیلی و مجنون سهیلی و مقایسه آن با منظومه نظامی،
درخاتمه برای آشنایی بیشتر با سبک و بیان سهیلی جفتایی به نقل

قسمتی از این منظومه تحت عنوان: (پرواز نمودن قیس به بال جنون)
می پردازیم:

مفتون جمال ایـن دلارام دردشت سخن چنین نهد گام
کان ماه ز آه درد پیـرورد آینه چهره چون نهان کرد
روزی دوسه قیس دل رمیده آمد سوی مکتب آرمیده
می آمد و یار در نمی یافت وز راه امید رخ نمی تافت
می خواست که پیرهن کند چاک برفرق فشاند از رهش خاک
اما پی حفظ حال لیلی دیوانه سری نکرد خیلی
کرد از غم یار چند بساره پیراهن و جامه پاره پاره
چون گندم تاب گشت از تاب یا ماهی دورمانده از آب
برچهره گشاد اشک رنگین با این همه چون نیافت تسکین
از خانه بدر دوید چون باد رو جانب کوه کرد و فریاد . . .
بخش پایانی کتاب: (خاتمه در تمهید اعتدار) است:

صد شکر کزین گریوه تنگ بیرون بر دم جنیبه لنگ
در ورطه هایللی نماندم وین بار به منزللی رساندم
با آنکه زبان کلک تقریر می کرد چو این ترانه تحریر
از رشنه پیچش زمانش جز موی نبود بر زبانش
یعنی که من زبان شکسته بودم چو بدین کمند بسته
این راه دراز می نوشتم زین شیب و فراز می گذشتم
گشتم چو بدین فسانه فیروز بود از رمضان گذشته ده روز
وز هجرت بهترین عالسم نه صد بودی به یازده کم . . .
مزید توفیق آقای دکتر عمر او قوش را در طبع و نشر آثار گرانقدر

فارسی از درگاه خداوند مسئلت داریم .

فهرست منابع:

- ۱- احوال و آثار سهیلی جغتائی (رساله دکترای آقای عمر او قوش) .
- ۲- لیلی و مجنون سهیلی ، به کوشش دکتر عمر او قوش (ارضروم ۱۹۸۲) .
- ۳- از سعدی تا جامی براون ، ترجمه مرحوم علی اصغر حکمت .